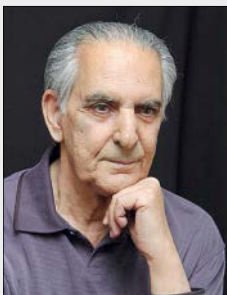




سماور پربركت مرحوم نگارنده



اتير سالروز تولد محمد قهرمان است

«خاموش شدن این چشمه فیاض شعر فاخر و غزل پر نکته و آراسته، هر آشنای شعر و ادب معاصر را دچار تأسف و اندوه می‌سازد و آشنایان شعر ممتاز او و خود آن شخصیت متین و با وفا و آن ذهن موج و ژرف بین و مضمون یاب را بسی بیشتر.»

این، صحبت‌های رهبر یک ملت است که در سوگ شاعری گفته است. در تاریخ ادبیات که نگاه کنیم، کمتر کسی بوده که رهبر انقلاب این‌طور از او نام ببرد و اصلاً کمتر شاعری بوده که رهبر در سوگ او پیام تسلیتی بفرستد. این نکته علاوه بر جایگاه رفیع قهرمان در شعر و پژوهش، ریشه در رابطه قدیمی رهبر و گروهی از شاعران خراسانی دارد. ایشان طی دیدار با شاعران در سال ۱۳۸۹ می‌گویند: «ما بهترین شاعرها را در مشهد داشتیم.

انصافاً در یک دوره‌ای شعرای مشهد ما در کشور بهترین بودند. ما همه را از نزدیک می‌شناختیم؛ شعرای مشهد جزو بهترین‌ها بودند؛ هم قصیده‌سرایان، هم غزلسرایان. در مشهد از اول تا آخر در آن دوره‌ای که این افراد روی کار آمدند و پرورش پیدا کردند، سه تا انجمن وجود داشت؛ یکی‌اش انجمن مرحوم نگارنده بود که توی خانه خود او تشکیل می‌شد. ایشان اجاره‌نشین هم بود و هر چند وقت یک‌بار خانه‌اش عوض می‌شد؛ لذا این‌هایی که می‌خواستند شرکت کنند بروند توی آن خانه جدید، باید آدرس جدید می‌گرفتند.

بنده آن وقت قم بودم. هر وقت مشهد می‌آمدم، حتماً به آن جلسه می‌رفتم؛ تا بعد که از قم برگشتم. این یک انجمن بود؛ ۱۰ نفر، ۱۵ نفر در آن شرکت می‌کردند، یک سماوری هم آنجا روشن بود که چایی‌اش را خود مرحوم نگارنده می‌ریخت. این آقای شفیع کدکنی، میرزا زاده، قهرمان، قدسی، این‌ها همه پرورش یافته همین جلسه‌اند.

این سماور در خاطر اکثر شاعران آن دوره حضور دارد و همه از آن به عنوان چشم و چراغ جلسات انجمن مرحوم نگارنده یاد می‌کنند. محمد قهرمان از جمله افراد این جمع بوده که تلاش کرد خاطرات آنها، نوشته‌ها و نامه‌های‌شان را محفوظ نگاه دارد و بعدها منتشر کند.

از جمله این آثار ارزشمند می‌توان به کتاب «با یادهای عزیز گذشته» که به خاطرات قهرمان از اخوان و ده‌نامه‌ای که او از اخوان در دهه ۳۰ و ۴۰ دریافت کرده است، اشاره کرد.

با از سرگیری کنسرت‌ها در دوران پساکرونا مردم با افزایش چشمگیر قیمت بلیت اجراهای موسیقی روبه‌رو شده‌اند

جبران از جیب مردم!

راسل کرو که جایزه اسکار بازیگری را برای فیلم «گلادیاتور» دریافت کرده می‌گوید فیلمنامه‌اش افتضاح بود

فیلمنامه گلادیاتور افتضاح بود



«جو جو خر گوشه» توانسته در گیشه و میان منتقدان به موفقیت نسبتاً خوبی دست پیدا کند

جنگ خنده!

فرهنگ

سه‌شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۹۳



۱۲



۱۰

کاغذ اخبار

حذف نام یک اسطوره

حزب دموکرات اورنج‌کانتی با تصویب یک قطعنامه اضطراری از شورای شهر اورنج‌کانتی خواست تا نام فرودگاه جان وین را تغییر دهند. اگر از شنیدن این خبر شوکه شده‌اید، بد نیست اظهارات جان وین را در یکی از مصاحبه‌هایش در سال ۱۹۷۱ بخوانید و با دیدگاهش درباره سرخپوستان و سیاهپوستان آشنا شوید.

جان وین که اسطوره سینمای وسترن آمریکاست و یکی از قهرمانان پرشور این کشور، تقریباً ۵۰ سال پیش در مصاحبه‌ای تأکید کرده بود که به برتری سفیدپوستان باور دارد و از این‌که پنج تا ۱۰ نسل پیش از این، سیاه‌پوستان برده بودند، احساس گناه نمی‌کند.

حرف‌هایی که او در این مصاحبه

گفته بود و مهر به نقل از ورایتی منتشر کرده، دقیقاً این‌هاست: به برتری سفید اعتقاد دارم تا وقتی که سیاه‌پوستان به حد مسؤولیت‌پذیری تربیت شوند،

به دادن اختیار و جایگاه رهبری و قضاوت به این افراد غیرمسئول اصلاً باور ندارم. حس نمی‌کنم با راندن سرخپوستان از این کشور پهناور اشتباه کرده باشم.

جبران آغاز شد

اسماعیل عقیقه و حسن فتحی، سریال‌های ماندگار که نساخته‌اند. هم عقیقه به عنوان تهیه‌کننده کارنامه پرباری دارد و هم حسن فتحی به‌عنوان کارگردان. آنها به زودی ساخت سریال جبران را برای پخش در شبکه نمایش خانگی آغاز خواهند کرد. این دو در کارهای مشترک‌شان هم گل گشته‌اند و سریال‌هایی ساخته‌اند که در فهرست بهترین سریال‌های تاریخ تلویزیون جای می‌گیرند.

فقط یکی از سه سریال میوه ممنوعه، در مسیر زاینده‌رود و زمانه که حاصل همکاری مشترک اسماعیل عقیقه و حسن فتحی بوده، کافی است که به سریال جبران امیدوار باشیم و منتظر پخش سریال جبران بمانیم. براساس توضیحات عقیقه، سال گذشته مجوز ساخت آن صادر شد و بازیگران هم انتخاب شده بودند اما طولانی شدن روند پیش‌تولید و تاخیر در آغاز فیلمبرداری به ساخت دکور مربوط است. درواقع شیوع کرونا یکی از دلایل تاخیر ساخت این پروژه بود.

جبران یک سریال تاریخی است و ساخت دکور برای سریال‌های تاریخی زمان می‌برد.

عقیقه می‌گوید: داستان این مجموعه درباره یکی از زنان ناصرالدین شاه است

و پرنایا ابزدی‌ار از اولین بازیگرانی است که برای این سریال انتخاب شده بود.

پیش‌تولید سریال به مراحل پایانی رسیده و به‌زودی تصویربرداری آن آغاز می‌شود.



حجت‌ا... ایوبی، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران از شایعات ثبت هنر خوشنویسی توسط ترکیه می‌گوید

خط خطی مان نکنند!



و ناعدالتی برای همه!

گلایه‌های اخیر رهبری درباره فیلم‌های مساله‌دار مرتبط با دستگاه قضا، ناظر به چه نکاتی است؟

امیدرحمانی

فرهنگ و هنر

اگرچه بخشی مهمی از سینما، مبتنی بر قصه‌پردازی و سرگرمی است، اما نمی‌توان تأثیر و تأثرات آن در مواجهه با واقعیت‌های جامعه را نادیده گرفت. چه داستان‌هایی که با تکیه بر واقعیت بنا نشده و شکل نگرفته و چه واقعیت‌هایی که ما را یاد

فیلم‌هایی انداخته‌اند. پیرو همین تعریف، گاهی کلیت برخی فیلم‌ها می‌تواند به منزله یک نگاه و پیام تلقی شود. اگر هم این نگاه و رویکرد تداوم داشته باشد و در فیلم‌های دیگری تکرار شود، می‌شود سوال‌هایی را در این خصوص مطرح کرد و به تحلیل و بررسی و احیاناً آسیب‌شناسی آن پرداخت. در چنین مواقعی، دیگر توجیهاتی چون «این فقط یک فیلم است» چندان پذیرفته نیست و حتی می‌توان در نگاهی کارشناسانه و نظارتی، این آثار را به شکل جدی مورد پرسش قرار داد. چون اگر قائل به تأثیرگذاری سینما بر جامعه و مردم باشیم، ضررهای برداشت‌های نادرست و تعبیر و تفسیرهای خطا جبران‌ناپذیر خواهد بود.

یکی از مصداق‌های این نگرانی، تصویر غالبی است که سینمای ایران خواسته یا ناخواسته درباره دستگاه قضای جمهوری اسلامی ایران ارائه کرده و فراتر از نگاه متعده‌انه و دغدغه‌مند و دلسوزانه درباره کم و کاستی‌ها و اشتباهات موجود، پاس گل‌هایی را به دشمنان نظام داده و دشمن‌شاه شده‌اند.

فرمایشات اخیر رهبر معظم انقلاب و گلایه ایشان از تصویر بعضاً ناخوشایند دستگاه قضایی در برخی فیلم‌های ایرانی و مهم‌تر از آن انفعال حوزه‌های نظارتی در سینما، باردیگر قصور و کاهلی سینمای ایران در این زمینه را یادآوری کرد. رهبر انقلاب در گفت‌وگوی اخیر تصویری که با همایش سراسری قوه قضاییه که به مناسبت سالروز شهادت شهید بهشتی داشتند،

در بخشی از فرمایشات خود فرمودند:

«متأسفانه با غفلت برخی مسؤولان

مربوط در عرصه نظارت بر فیلم‌ها، شاهد

نمایش فیلم‌هایی هستیم که اساس

و مبانی قضایی جمهوری اسلامی را

زیر سؤال می‌برند. غربی‌ها بر خلاف

واقعیت، در فیلم‌های سینمایی،

دادگاه‌های خود را عرصه عدالت محض

نشان می‌دهند، ولی ما حتی در ارائه

واقعیات کشور از ظرفیت‌های هنری

و رسانه‌ای بهره نمی‌گیریم و گاهی

برعکس نشان می‌دهیم.»

چه نکته‌هایی در این گلایه رهبری نهفته

است و سینمای ایران چگونه می‌تواند

برای رفع آنها اقدام کند؟

هنر قائل‌دار ۱۲۰ اثر خوشگویی

مظهر عدالت آمریکایی است!



در جریان جودندارد، جهت تقابل با قساصی و اعدام مطرح می‌شود.

لزوم نظارت

گلایه اخیر رهبری با این‌که ناظر بر فیلم‌هایی درباره دستگاه قضاست، اما می‌توان غفلت برخی مسؤولان در عرصه نظارت بر فیلم‌ها را به حوزه‌های دیگر نیز تعمیم داد و کلی‌تر به ماجرا نگریست. وقتی هر اثری با هر میزان از بدبینی یا بدخواهی پروانه ساخت می‌گیرد و بدون کنترل و نظارت دقیق و نگاهی مسامحه‌آمیز و چه بسا سهل‌انگازانه مجوز اکران و پروانه نمایش دریافت می‌کند، فیلم‌هایی هم پیدا می‌شوند که اساس و مبانی قضایی نظام را زیر سوال می‌برند. آثاری به بهانه سرگرمی مردم، روانه پرده سینما می‌شوند که نشانی از پاکیزگی اخلاقی در آنها نیست و

مصداق‌های احتمالی گلایه

انتقاد رهبری به‌طور کلی انجام شد و نام فیلم خاصی به میان نیامد. هرچند برای یافتن مصداق‌های احتمالی این گلایه میان سینمایی‌که آثار چندانی در زمینه فیلم‌های دادگاهی و قضایی ندارد، می‌توان نمونه‌هایی را حدس زد. این فیلم‌ها البته الزاماً مصادیق هشدار رهبر انقلاب نیستند، اما نوع نگاه آنها به دستگاه قضا قابل تأمل است. بیشتر فیلم‌های دادگاهی در سینمای ایران، چندان نگاه سیاسی نداشته‌اند و اغلب پای قصه‌هایشان را با موضوعاتی چون طلاق یا قتل به دادگاه کشانده‌اند، اما فیلم‌هایی هم داشتیم که با تمرکز روی قصاص و اعدام، به مسیری رفته‌اند که بحث شرع و مبانی قضایی نظام را هم پیش کشیده‌اند. متاخرترین نمونه، فیلم شیطان وجود ندارد، ساخته محمد رسول‌اف است که به شکل علنی با اعدام و قصاص مخالفت می‌کند و در فیلمی تاریک، بدبینانه و یکسویه بدون این‌که به دلیل این اجرای قانون و علت مجرمیت و محکومیت مجازات شوندگان بپردازد،

ضدسیستم قضایی نظام نسخه می‌پیچد؛ روایتی که بسیار به مذاق غربی‌ها و مسؤولان جشنواره فیلم برلین هم خوش می‌آید و جایزه اصلی‌شان را تقدیم به این فیلم می‌کنند. در فیلم قسم ساخته محسن تنابنده هم شکل روایت طوری است که قسامه به عنوان یکی از راه‌های اثبات وقوع جنایت در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران، شکل رعب‌آوری پیدا می‌کند. وقتی هم در پایان معلوم می‌شود قاتل شخص دیگری است و آن ۵۰ قسم قرار بود سر بیگانه‌ای را بالای دار ببرد، ناخوشایندی قسامه تشدید می‌شود.

در فیلم قصیده گاو سفید، ساخته پهتاش صناعی‌ها، خطای انسانی یک قاضی، بیگانه‌ای را به کام مرگ می‌فرستد. این ایده اگرچه چالشی دراماتیک دارد و به درد قصه‌پردازی می‌خورد، اما قصاص و اعدام در ایران را زیر سوال می‌برد و به‌طور ضمنی عنوان می‌کند اگر چنین مجازاتی وجود نداشت، خطای انسانی قاضی در صدور مجازات اعدام هم اتفاق نمی‌افتاد. در همیس! دختری فریاد نمی‌زنند ساخته پوران درخشنده و من مادر هستم ساخته فریدون جیرانی، دختران جوانی با نیت مقابله با تجاوز، دست به قتل می‌زنند و هر دو در پایان قصه اعدام می‌شوند. روند محاکمه و حکم نهایی طوری است که تماشاگر را متاثر می‌کند و او را به لحاظ حسی، مقابل قانون مجازات اسلامی قرار می‌دهد.

عدالت محض غربی‌ها در سینما!

هرچند فیلم‌های شاخصی را در سینمای جهان سراغ داریم که ظاهراً بی‌عدالتی را هم در فیلم‌ها به نمایش گذاشته‌اند نظیر مسیر سبز و عدالت برای همه، رقصنده در تاریکی، کشتن مرغ مقلد و پایپون، اما حتی در همین فیلم‌ها هم خوب‌های تمام عیاری را در سیستم قضایی به تصویر کشیده‌اند. نمونه بارزش وکیل درستکار و عدالت برای همه و وکیل سفیدپوست سفیدپوش کشتن مرغ مقلد که در دفاع از یک سیاه‌پوست بی‌گناه به آب و آتش می‌زند. با این حال برخی فیلم‌های غربی هم دادگاه‌های خود را برخلاف واقعیت و ناعدالتی موجود، عرصه عدالت محض نشان می‌دهند. در آقای لینکلن جوان، لینکلن وکیل برجسته‌ای است که با رفتار عدالتخواهانه در دادگاه‌های مختلف، راهش را برای موفقیت در آینده هموار می‌کند. در ۱۲ مرد خشمگین، باوجود رای ۱۱ نفر از اعضای هیات منصفه مبنی بر گناهکار بودن متهم، سرانجام زور یک نفر مخالف می‌چربد و متهم از اعدام رهایی می‌یابد. در دادگاه نورنبرگ که براساس محاکمات واقعی سران نازی ساخته شد، سعی در القای یک عدالت حقیقی می‌شود، اما بسیاری از همین قوانین بین‌المللی درباره جنایات جنگی که طی همین دادگاه به تصویب رسید، در ادامه به هیچ‌وجه رعایت نشد و روسیاهی داعیه عدالت ماند برای غربی‌ها. از این نمونه فیلم‌ها باز هم در سینمای غرب و آمریکا یافت می‌شود که قیافه حق به جانب و عدالتخواهانه می‌گیرند.

بی‌اعتنایی به ظرفیت دراماتیک

سینمای ایران، ظرفیت بالقوه و درخشان فیلم‌های دادگاهی را دست‌کم گرفته و معمولاً اگر سراغی هم از دادگاه و دستگاه قضا می‌گیرد، نگاه تخریبی و تقابلی دارد؛ درحالی‌که می‌توان برای تقویت سیستم قضایی و کمک برای مشکلاتی که بعضاً وجود دارد، قصه‌های تأثیرگذاری خلق کرد و موارد مثبت دستگاه قضا و احقاق حقوق و مبارزه قوه قضاییه با مفاسد و جرایم مختلف را هم به تصویر کشید و ناامیدی مردم را به امید تبدیل کرد.